

دکتر باقرپور کاشانی



حسن و قبح عقلی و شرعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حسن و قبح عقلی و شرعی

در مورد حسن و قبح، گفته شد که ما یک حسن و قبح عقلی داریم، یک حسن و قبح اعتباری داریم، یک حسن و قبح شرعی داریم. حسن و قبح عقلی به این معناست که خروجی عقل عملی هر عاقلی، یک سری اموری را برای خودش بدیهی می‌داند؛ یک سری حکم برای خودش دارد؛ نه اینکه از خارج انتزاع کرده، خودش حکم دارد. مثلاً ظلم را بد می‌داند، خیانت را بد می‌داند، عدالت را خوب می‌داند. عقل هر عاقلی! حالا عقل هر عاقل، می‌خواهد عاقل دین‌دار باشد! عاقل بی‌دین باشد! عاقل خداپرست باشد! عاقل خدا ناباور باشد! اصلاً فرقی نمی‌کند! عقل هر عاقلی، حکم می‌کند که یک اموری بد هست، یک اموری قبیح هست، یک اموری حسن هست. این می‌شود حسن و قبح عقلی.

حسن و قبح شرعی می‌گوید همان چیزی که خدا می‌گوید، همان چیزی که امر می‌کند، عین عدالت هست و آن چیزی که نهی می‌کند، این قبیح هست؛ ولو اینکه آن چیزی که عقل ما حکم می‌کند، ظالمانه باشد، خیانت

باشد، همان از خدا سر بزند! این حَسَن هست! مثالی که زدم این است که
یعنی مثلاً خداوند متعال شمر را به اعلیٰ درجهٔ بهشت ببرد، امام حسین علیه السلام
هم ببرد در قعر جهنم؛ این کارش حَسَن هست! حالا ولو اینکه شمر با
اختیار خودش جنایت کرده، امام حسین علیه السلام هم با اختیار خودش در مسیر
کمال قرار گرفته، اما چون مَلِک خداست، خدا این امام حسین علیه السلام
را در قعر دوزخ ببرد و شمر را در اعلیٰ درجهٔ بهشت ببرد، این حسن و قبح
را این طوری معنی می‌کنند. البته این جا نکتهٔ سر این است که خدا ظلم
نمی‌کند! خدا خیانت نمی‌کند، اعتقادمان این است که خدا خیانت
نمی‌کند! و اگر می‌گوییم که حسن و قبح عقلی، به تعبیری تعیین تکلیف
هم برای خدا نمی‌کنیم! بگوییم چون عقل ما مثلاً این امر را قبیح می‌داند،
پس بر خداست که ترک کند، با این عقل مان برای خداوند حدود و ثغوری
برای افعالش قرار می‌دهیم! نه این طوری نیست! عقل ما کشف می‌کند که
این امر قبیح هست و خداوند این عقل را خودش داده و بر اساس حق و
سره‌بودن و صحیح‌بودن، عمل می‌کند. این طوری هم نیست که امام حسین
علیه السلام را نتواند مثلاً ببرد دوزخ! چرا اختیارش را دارد اما این کار از خدا سر
نمی‌زند!

پس ما در حقیقت اگر چنانچه حسن و قبح شرعی هم بخواهیم لحاظ
بکنیم، با توجه به حسن و قبح عقلی ما می‌گوییم این‌ها با همدیگر در
تناقض نیستند. کما اینکه اشاعره گفتند که ممکن است عقل شما یک حکم
بکند، خدا مسأله دیگری را بخواهد در نظر بگیرد نسبت به بدیهیات! ما
می‌گوییم نه!

عقلی که هست، مشخص هست از ناحیه خداست، عصمت دارد، خداوند
متعال هم امر به امر قبیح نمی‌کند، یا بگوید که مثلاً فرض کنید عدالت را
زیر پایت بگذار یا مثلاً خیانت را انجام بده خودش هم بخواهد چنین کاری
را انجام بدهد!

پس این هم شد حسن و قبح شرعی.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَوْجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ



@aparar.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir